

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

بیداری و پایداری فلسطین در اشعار تمیم برغوثی

دکتر صدیقه زودرنج^۱

زهره کوچکی نیت^۲

چکیده

ادبیات مقاومت فلسطین از اواسط دهه شصت قرن بیستم تا زمان حاضر، بانگ بازگشت به خویش را سرمی دهد؛ از این رو، آزادسازی قدس و فلسطین و جریان مقاومت بر ضد اشغالگری، یکی از آرمانها و ارکان جنبش بیداری - اسلامی به شمار می رود. تمیم برغوثی (۱۹۷۷م.) شاعر روشنفکر و سیاستمدار تحصیل کرده و آگاهی است که به دلیل سرودن قصاید بی نظیری چون «فی القدس» و دیگر قصاید، جایگاه ویژه‌ای را در شعر مقاومت فلسطین به خود اختصاص داده؛ به گونه‌ای که شاعر «قدس» نامیده شده است. در مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی تلاش گردیده ضمن معرفی این شخصیت و بررسی پایداری ادبی وی در مقابله با رژیم اشغالگر، چگونگی ظهور مؤلفه‌های مقاومت و بیداری در اشعار او بررسی شود تا جایگاه این شاعر توانمند، در شعر مقاومت فلسطین و القای پایداری و بیداری به جوامع مبارز اسلامی تبیین گردد. یافته‌های پژوهش حاکی آن است که برغوثی با توصیف دقیق جزئیات به کارگیری خیال‌های جزئی و استفاده از بینامتنی قرآنی و روایی و نیز با مطرح ساختن مواردی چون قدس و گذشته آن، معراج رسول اکرم، حدیث شریف کسا و غیره به عنوان عوامل وحدت‌ساز، مؤلفه‌های پایداری و بیداری را در شعر خویش ترسیم می نماید و راه حل مقابله با اشغالگران را اصرار بر تداوم مبارزه و پایداری برمی شمارد تا بدین وسیله بیداری و بصیرت را برای مخاطبان و بویژه مسلمانان مبارز به ارمغان آورد.

واژه‌های کلیدی: تمیم برغوثی، ادبیات پایداری، بیداری، شعر مقاومت فلسطین، قدس

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول) zoodranj_s@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۱-۰۶-۱۳۹۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۰-۰۸-۱۳۹۳

۱- مقدمه

در دوره معاصر، حوادثی مانند شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و اشغال فلسطین و تهاجم به کشورهای اسلامی چون اردن، سوریه، لبنان و مصر و نیز پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روحیه «مقاومت» و «بیداری» در برابر متجاوزان را در این ملت‌ها زنده کرد؛ از این‌رو، زمانی که حیات، هویت، ملیت و عزت این سرزمین‌ها مورد تعرض ظالمانه بیگانگان قرار گرفت، مردم برای حفظ آن‌ها در برابر تجاوز، مقاومت نمودند و هر کدام از اقشار به نوعی در آن مشارکت داشتند؛ برخی با سلاح، برخی با فکر و زبان، برخی با زبان شعر، و برخی دیگر با پای‌بندی به دین و مقاومت (قادری، ۱۳۸۹: ۲۴۱). امروزه، مبارزات ادبی و هنری، مهم‌ترین نوع مبارزه با قدرت‌های تجاوزگر به حساب می‌آید؛ زیرا در دنیایی که بنیان آن - حتی به ادعا- آزادی بیان و قلم است، استعمار متجاوز، چگونه می‌تواند تراوش قلم ملت‌های دربند را به زنجیر بکشد؟ اینجا قلم به روشنگری می‌پردازد، خوی تجاوز و آزمندی را به تصویر می‌کشد و مایه‌های انزجار مردمان آگاه و مقاوم را بیان می‌کند. در این میان، ادبیات مقاومت فلسطین، اولین نوع از شعر مبارزاتی عرب است که در مبارزه مستمر علیه متجاوزان، نقش فرماندهی را ایفا کرده‌است (الکیالی، ۱۹۷۵: ۳۵۸). ادبیات مقاومت فلسطین، از اواسط دهه شصت قرن بیستم، بانگ بازگشت به خویشتن سر می‌دهد؛ از این‌رو، در دوره معاصر، آزادسازی قدس و فلسطین و جریان مقاومت به یکی از آرمان‌ها و ارکان جنبش بیداری اسلامی مبدل شده‌است. بنابراین، مسأله قدس و فلسطین، مهم‌ترین عامل بیداری اسلامی است؛ زیرا موضوع فلسطین اثرگذاری منحصر به فردی در جهان اسلام دارد؛ لذا فضای غالب بر شعر بسیاری از شاعران عرب و غیرعرب، حوادث فلسطین و رویارویی با فاجعه ظهور کشوری به نام اسرائیل است؛ به طوری که «نبض شعر عرب، امروز با مسئله فلسطین می‌تپد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۵۰)

«تمیم برغوثی» ادیب و سیاستمداری است که به دلیل خلق قصایدی بی‌نظیر چون «فی القدس»، جایگاه خاصی را در شعر مقاومت فلسطین به خود اختصاص داده؛ به طوری که شاعر «قدس» نامیده شده‌است. برغوثی از جمله شاعرانی است که وجود وی سرشار از عشق به وطن، انسانیت و تاریخ و تمدن اسلامی - عربی است. وی با هوشیاری دینی و سیاسی، آرمان ملت فلسطین را در شعر متعهد خود ارائه می‌دهد؛ از

این‌رو، نمی‌توان نام این شاعر برجسته را در شعر پایداری و بیداری فلسطین نادیده گرفت؛ زیرا وی توانسته است مهم‌ترین مسائل جامعه خویش («مقاومت» و «بیداری») در برابر اشغالگری را با قلم و بیان شاعرانه تبیین نماید.

۱-۱- بیان مسئله

چگونگی ظهور مؤلفه‌های پایداری و بیداری در اشعار تمیم برغوثی به عنوان مسئله تحقیق حاضر مطرح است؛ لذا این پژوهش برآن است تا با بررسی همین مسئله به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱- مهم‌ترین مضامین بیداری و پایداری در سروده‌های برغوثی کدام است؟ ۲- راه‌حل شاعر برای مقابله با ابعاد مختلف اشغالگری چیست؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

در باب پیشینه موضوع لازم به ذکر است تاکنون پژوهشی درباره «بیداری و پایداری فلسطین در اشعار تمیم برغوثی» صورت نگرفته است؛ اما بارزترین پژوهشی که درباره این شاعر معاصر به نگارش درآمده است، مقاله فیصل حسین طحمیر غوادره با عنوان «صورة القدس فی شعر تمیم البرغوثی؛ دیوانه فی القدس انموذجاً» (مجله جامعه القدس المفتوحة للأبحاث و الدراسات) می‌باشد که به بررسی ویژگی‌های محتوایی و ساختاری قصیده «فی القدس» می‌پردازد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

هدف از بررسی این موضوع، پاسخ گفتن به نیاز جامعه ادبی به شناخت بیشتر ادبیات مقاومت و بیداری است. بررسی اشعار و افکار «تمیم برغوثی» به عنوان یکی از چهره‌های شاخص ادبیات مقاومت فلسطین - که فردی آگاه و دارای بینش سیاسی است؛ اما تاکنون در ایران ناشناخته مانده - ضروری به نظر می‌رسد. برغوثی به عنوان شاعر و نویسنده آگاه و مسئولیت‌شناس، خط‌مشی مقاومت را می‌آموزد و در اشعارش به دنبال بیدارسازی اندیشه، و مبارزه و پایداری در برابر دشمنان است؛ شاعر متعهدی که با وجود سال‌ها زندگی، تحصیل و اشتغال در آمریکا، قلبش همچنان برای فلسطین می‌تپد و با اشعار روشنگرانه و آگاهی‌بخش خود، بصیرت و پایداری را توأمان برای مخاطب ترسیم می‌کند.

۲- بحث

۲-۱- تمیم برغوثی و پایداری ادبی

تمیم برغوثی، ادیب و سیاستمدار فلسطینی، سال ۱۹۷۷ در قاهره متولد شد. پدرش شاعر فلسطینی «مرید برغوثی» و مادرش رمان‌نویس مشهور مصری «رضوی عاشور» است (آذر شب، ۱۳۹۲: ۲۱۰). او شعر گفتن را در کودکی از پدرش آموخت و در مدرسه اشعار طنز سرود (الاتحاد الاشتراکی: ۲۰۰۹). وی پس از پایان دوره دبیرستان، در رشته علوم سیاسی وارد دانشگاه شد و در سال ۲۰۰۴ موفق به اخذ مدرک دکتری از دانشگاه واشنگتن ایالات متحده آمریکا گردید. او به سرعت وارد فعالیت‌های سیاسی شد و به عنوان پژوهشگر و فعال سیاسی در امور سیاسی دبیرخانه سازمان ملل و موسسه مطالعات پیشرفته برلین مشغول به کار گشت. وی هم اکنون استاد علوم سیاسی در دانشگاه جورج تاون واشنگتن می‌باشد (أدب: ۲۰۰۹). برغوثی از شاعرانی است که با هوشیاری سیاسی و نیز ذوق و هنر خویش به دفاع از هویت فلسطین در برابر تاخت و تاز اشغالگران پرداخته‌است؛ از این رو به شاعر «قدس» معروف است؛ شاعری که پیروزی و آرمان فلسطین در سروده‌هایش به ویژه در قصیده «فی القدس» موج می‌زند. وی دو کتاب در عرصه سیاست تألیف نموده که یکی به زبان عربی با عنوان «الوطنیة الألیفة» و دیگری به زبان انگلیسی با عنوان:

«The Umma and the Dawla: the Nation state and the Arab Middle East» است که درباره مردم و حکومت در جهان عرب می‌باشد؛ اما در عرصه ادبیات، دو دیوان شعری به زبان فصیح و چهار دیوان دیگر به زبان عامیانه فلسطینی و مصری دارد که عبارتند از: دیوان (میچنا ۱۹۹۹م). به لهجه فلسطینی، (المنظر ۲۰۰۲م). به لهجه مصری، (قالوالی بتحب مصر قلت مش عارف ۲۰۰۵م). به لهجه مصری، (مقام عراق ۲۰۰۵م). به عربی فصیح، (فی القدس ۲۰۰۹م). به عربی فصیح و (یا مصر هانت و بانت ۲۰۱۲م). به لهجه مصری (غوادره، لاتا: ۳) و اما برخی قصائد حماسی و دینی وی عبارتند از: «امیر المؤمنین»، «نفسی الفداء لكل منتصر حزین»، «بیان عسکری»، «حدیث کساء»، «معین الدمع»، «قفی ساعة یفدیک قولی وقائله»، «أیها الناس»،

«إن سار أهلی فالدهر یتبع»، «الحمامة والعنكبوت»، «امر طبعی» و قصیده «البردة» در معارضه با قصیده «البردة» بوصیری و «نهج البردة» احمد شوقی (الخبر: ۲۰۱۲).

۲-۲- مؤلفه‌های بیداری و مقاومت در اشعار تمیم برغوثی

«ادبیات پایداری، یعنی ادبیاتی که در وجوه سلبی ایجابی‌ای چون نفی وضع ظالمانه موجود و ایجاد وضع عادلانه و دفاع از حق و نفی باطل ظهور پیدا می‌کند.» (عیسی‌نیا، ۱۳۸۶: ۸۵) به عبارت دیگر، ادبیات پایداری در سرزمین‌های اسلامی با برجسته کردن پیام‌های انسانی و ارزش‌های اسلامی، رسالت خویش را در مقابله با اشغالگری ادا می‌کند؛ از این رو، ادبیات مقاومت در این سرزمین‌ها، در شمار یکی از گونه‌های مفصل ادبیات اسلامی به شمار می‌آید و این مسئله، گویای پیوند پایداری و مؤلفه‌های بیدارساز دینی است (دهمرده و کشاورزی، ۱۳۹۳: ۱۴۶). تمیم برغوثی با تعهد آگاهانه خود، مسأله مقاومت و بیداری اسلامی فلسطین را در شعر خویش منعکس نموده است؛ از این رو، در ادامه به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های بیداری و چگونگی ظهور آن‌ها در نمونه‌هایی از سروده‌های وی خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است؛ مقصود از مهم‌ترین مؤلفه‌ها، مؤلفه‌هایی است که در آثار مربوط به ادبیات پایداری معمولاً بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند و در سروده‌های برغوثی نیز بیشتر و پررنگ‌تر از سایر موارد، مطرح شده‌اند.

۲-۲-۱- ترسیم «قدس» به عنوان سرزمین اسرا و معراج

فلسطین به دلیل وجود مسجد الأقصى، نخستین قبله مسلمانان، و معراج آسمانی پیامبر (ص) در آن، و به این سبب که محل زندگی و بعثت انبیای الهی بوده، قطعه‌ای از خاک اسلام به شمار می‌آید و دارای اهمیت بسیاری است. برغوثی در قصیده مشهور «فی القدس»، در اقتباسی هنری از قرآن کریم «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (اسراء / ۱) به قداست این سرزمین نزد مسلمانان اشاره می‌کند و با ذکر مقدمات بیدارساز و وحدت‌آفرین چون نام پیامبر اعظم (ص)، قدس، ندای اذان، نمازگزاردن پیامبر (ص) در مسجد الأقصى و صعود ایشان در لیلۃ الاسراء از این مسجد به آسمان، احساسات دینی مسلمانان را در دفاع از پاره کیان اسلامی (سرزمین اسراء و معراج) برمی‌انگیزد:

یا سماء / أبلغی فی لیلة الإسراء من بالمسجد الأقصى یُصلی / من نبیُّ أو إمام / اسمعوا یا من علیهم صلواتُ
الله سربٌ من حمام / و أذان فی الأعالی یتردّد / بینکم من کلم الله جهاراً / و الذی لم یصل ناراً / و الذی عن
أمره عمّرت الجنان داراً / و الذی یحیا مدی الدهر سراراً / حاضرأ أو غائبأ یبدد و یتستخفی مراراً / و الذی قد
أتعب الناس انتظاراً / لیلة المعراج فی المحراب من خلف محمد (برغوثی، ۲۰۱۲،
www.alkottob.com).

«ای آسمان / ابلاغ کن چه کسی در شب معراج در مسجد الاقصی نماز می خواند / از پیغمبر یا امام /
بشنوید ای کسانی که درود خدا بر شما باد، دسته ای از کبوتران / با صدای اذان اوج می گیرند / در بین شما
کسی است که آشکارا با خدا سخن گفت / کسی که در آتش نسوخت / کسی که به فرمان او در بهشت
خانه هایی ساخته شد / کسی که در طول حیات، پنهان زندگی می کند / چه حاضر باشد چه غایب، بارها
آشکار و پنهان می شود / و کسی که مردم به خاطر انتظارش به ستوه آمده اند / همان کسی که در شب معراج
در محراب پشت سر محمد(ص) نماز می خواند.» حال، اگر این قطعه مقدّس توسط دشمن از خاک اسلامی
جدا شود، مسلمانان باید برای بازپس گیری آن مجاهدت نمایند؛ همچنان که شاعر در اشعار زیر، قدس را
حامی مسلمانان و آنان را حامی قدس می داند و بیان می دارد اگر قدس در برابر ناملایمات روزگار مورد
تعرّض واقع شود، با جان و دل از آن حمایت خواهیم نمود:

و فی القدس السماء تفرقت فی الناس تحمینا و نحمیها / و نحملها علی أکتافنا حملاً / إذا جارت علی
أقمارها الأزمان (همان، www.alkottob.com).

«در قدس، آسمان در میان مردم پراکنده می شود و از ما حمایت می کند و از آن حمایت می کنیم / قطعاً آن
را بر دوشمان حمل می کنیم / وقتی که زمان بر سیاره های آن، ستم ورزد.»
در واقع، امروزه بیت المقدّس و قدس شریف به دلیل سلطه غاصبان متجاوز، چشم انتظار اقدام مناسب از
طرف مسلمانان و دیگر آزادی خواهان عالم برای رهایی است.

۲-۲-۲- بیان جنایت‌ها و ترفندهای صهیونیسم جبار و غدار

«وضعیت سیاسی حاکم بر سرزمین اشغالی فلسطین که با قتل و غارت سبعانه و با زور تکنولوژی نظامی مدرن همراه بود و در هر لحظه و به هر بهانه‌ای تداوم می‌یافت، عرصه را بر ادامه حیات فلسطینیان تنگ‌تر می‌ساخت.» (کنفانی، ۱۹۶۶: ۱۴۸) اما «شاعران از دیرباز به بررسی فعالیت سیاسی صهیونیست‌ها و برملا کردن توطئه‌های پشت پرده آنان پرداختند؛ بر ادعاهای آنان خط بطلان کشیدند و تاریخ سراسر خدعه و نیرنگ آنان را نکوهیدند.» (ملا ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۲۵) برغوثی، عمق جنایت صهیونیست‌ها را که آمده‌اند فلسطینی‌ها را نابود سازند تا امپراطوری‌شان را روی استخوان‌ها و جمجمه‌های آن‌ها بناکنند، چنین توصیف می‌کند:

نفسی الفداء لأسره جمع الجنود رجالها ونساءها فی غرفه، / قالوا لهم، أنتم هنا فی مأمن من شرنا / و مضوا، / لیأمر ضابط منهم بقصف البيت عن بُعد و یأمر بعدها جرافتین بأن یسوی ما تبقی بالتراب، / لعل طفلاً لم یمت فی الضریه الأولى / و یأمر بعد ذلك أن تسیر مجنزرات الجیش فی بطن علی جثث الجمیع / یرید أن یتأكد الجندی أن القوم موتی / ربما قاموا، یحدث نفسه فی اللیل / یرجع مرة أخرى لنفس البيت، یقصفه، / ویقع نفسه، ماتوا، بكل طریقه ماتوا، / ویسأل نفسه، لكن ألم أقتلهمو من قبل، / من ستین عاماً، نفس هذا القتل، / نفس مراحل التنفيذ، / لست أظنهم ماتوا، / ویطلب طلعةً أخرى / من الطیران تنصره علی الموتی (برغوثی، www.adab.com).

«جانم فدای خانواده‌ای که سربازان یهودی مردان و زنان‌شان را در اتاقی جمع کرده / و به آن‌ها گفتند که شما در اینجا از شر ما در امانید / و خود سربازان از آن اتاق بیرون رفتند / تا سرباز دیگری دستور بمباران آن خانه را از دور بدهد و بعد از بمباران دستور می‌دهد تا به وسیله بولدوزرها آن جا را با خاک یکسان کنند / شاید کودکی در وحشی‌گری اول زنده مانده باشد / و بعد دستور می‌دهد تا تانک‌های ارتش به آرامی از روی همه پیکرها عبور کنند / سرباز می‌خواهد مطمئن شود که همه کشته شده‌اند / شبانه با خود می‌گوید: چه بسا دوباره برخیزند / باردیگر به همان خانه برمی‌گردد و آن جا را بمباران می‌کند / و خودش را قانع می‌کند که همه مردند به هر روشی مردند / از خودش سوال می‌کند؛ اما آیا قبلاً من این‌ها را نکشتم؟ / شصت سال پیش،

درست همانند همین کشتار/ با همه این مراحل / گمان نمی‌کنم مرده باشند/ و از یک بازجوی دیگری از هوپماهای نظامی می‌خواهد در کشتار کمکش کند.»

شاعر در ابیات فوق به مسائل انسانی می‌پردازد و توصیف می‌کند که صهیونیسم جبار چگونه مردان، زنان و کودکان بی‌گناه را در خانه‌هایی جمع، و آن مکان‌ها را بر سرشان ویران می‌کند. او بیان می‌کند که متجاوز سفاک چگونه با تانک‌ها و بلدوزرهای نظامی، استخوان‌ها و مجسمه‌های کودکان معصوم را با خاک یکسان می‌کند تا کشتار بی‌رحمانه شصت سال پیش را بار دیگر تکرار کند. معنی این عمل آن است که دولت غاصب، با اعمال جنایتکارانه خود به هیچ قانون اخلاقی و انسانی پای‌بند نبوده و نخواهد بود و می‌خواهد با نسل‌کشی، ملیتی دروغین و جعلی و بی‌ریشه در خاک متعلق به مسلمانان تشکیل دهد.

قصیده، پایانی به شدت تراژیک دارد. برغوثی، نصب نشان پیروزی غاصبان در برابر دوربین‌های خبرنگاران را آخرین قطعه شعر خود قرار داده؛ نشان افتخار به قتل عام کودکان بی‌گناه و انسان‌های آزاده! ویرفع شاره للنصر مبتسماً إلى العدسات / منسحباً، سعیداً أن طفلاً من أولئك لم یثم من تحت أنقاض المبانی / کی یکذره (همان: www.adab.com). «و نشان پیروزی را در مقابل دوربین‌ها با خنده بالا می‌برد / خوشحال بازمی‌گردد؛ زیرا حتی یک کودک هم از زیر آوار برنخاسته / تا او را خشمگین کند.» نکته مهم در اشعار فوق، توصیف دقیق و ذکر جزئیات صحنه، توسط شاعر است که این امر، انزجار مخاطب از اشغالگران را بیش از پیش برمی‌انگیزد.

برغوثی، باردیگر قساوت و ددمنشی رژیم جنایتکار را که با تجاوز به حریم مقدسات، نمازگزاران را به خاک و خون می‌کشد و صحنه‌های وحشیانه را یکبار دیگر تکرار می‌کند به تصویر درمی‌آورد:

وطائره تُحَوِّمُ فِي الْمَكَانِ	صَلَاةُ جَمَاعَةٍ فِي شِبْرِ أَرْضِ
لَكَ الْوَيْلَاتُ مَا لَكَ لَا تِرَانِي	تُنَادِي ذَلِكَ الْجَمْعَ الْمِصْلِي
فَنَابِلُهَا فَتَغْرُقُ فِي الدُّخَانِ	فَيُؤْمِنُ فِي تَجَاهِلِهَا فْتَرْمِي
وَعَنْ شَرَفٍ جَدِيدٍ فِي الْأَدَانِ	وَتُقْلِعُ عَنْ تَشْهَدٍ مَنْ يُصَلِّي

(همان، www.adab.com)

«نماز جماعتی در یک وجب خاک زمینی و هواپیمایی که در آن جا پرواز می کند / و آن جمع نمازگزار را صدا می زند / وای بر شما! چه شده مرا نمی بینید / نمازگزاران باز هم به او بی اعتنایی می کنند، هواپیما بمب هایش را پرتاب می کند و در دود غرق می شود/ و نمازگزاران را از تشهّد و از آغاز نمازی دوباره، باز می دارد.»

رژیم غاصب با حمله به نمازگزاران دو هدف مهم و عمده را در پیش می گیرد: یکی نابودی هویت اسلامی فلسطینیان با کشتار آن‌ها در «نماز جماعت» و دیگری جلوگیری از تداوم پایداری و اتحاد اسلامی. شاعر در این ابیات نیز با دقت در وصف و به کارگیری خیال‌های جزئی چون تشخیص و استعاره، صحنه نماز جماعت و توجه کامل نمازگزاران به نماز و بی توجهی آن‌ها به هواپیمای جنگی دشمن را ترسیم می نماید. شاعر در مقطع دیگر، در پشت واقعیت تلخ اشغال فلسطین، توطئه‌های رنگارنگ رژیم جعلی غدار را به مخاطب یادآور می شود که چگونه با ترفندهای به ظاهر غیر نظامی، برای اشغال و یهودی سازی قدس تلاش می کند:

فی القدس، بائع خضره من جورجیا برم بزوجه / یفکر فی قضاء إجازة أو فی طلاء البيت / فی القدس، توراة و کهل جاء من منہاتن العلیا یفقه فتیة البولون فی احکامها / فی القدس شرطی من الأحباش یغلق شارعاً فی السوق / رشاش علی مستوطن لم یبلغ العشرین، قبعه تحیی حائط المبکی / وسیاح من الإفرنج شقر لا یرون القدس إطلاقاً / تراهم یأخذون لبعضهم صوراً مع امرأة تیبع الفجل فی الساحات طول الیوم... فی القدس صلینا علی الأسفلت / فی القدس من فی القدس إلا أنت! (برغوثی، ۲۰۱۲، www.alkottob.com). «در قدس، سبزی فروشی از جورجیا (از ایالت‌های جنوبی آمریکا) با همسرش / در فکر سپری کردن مرخصی یا نگارگری خانه است / در قدس تورات است و میان‌سال‌ی از منہاتن (یکی از بخش‌های نیویورک) که احکام تورات را به جوانان بولونیایی (از شهرهای ایتالیا) یاد می دهد / در قدس، سربازی از حبشه خیابان را در بازار می بندد / و با گلوله بر شهروند فلسطینی که هنوز بیست سال ندارد، شلیک می کند، کلاه فرنگی بر دیوار ندبه سلام می کند / و گردشگران فرنگی زرد موی که مطلقاً قدس را نمی بینند / بلکه مشغول عکس گرفتن با زنی

می شوند که در طول روز در میدان‌ها تریچه می‌فروشد. در قدس، بر روی آسفالت نماز می‌خوانیم/ در قدس به غیر از تو چه کسی در قدس است؟!»

برغوثی در این اشعار، برخی از برنامه‌های شوم یهودی‌سازی قدس شریف را که با هویت این مکان مقدّس در تعارض است، برمی‌شمارد: آموزش احکام تورات توسط شخص منہاتنی، ممانعت مسلمانان از ورود به مسجد الاقصی و خواندن نماز در آن، ادّعای دیوار ندبه با کلاه فرنگی (دعا کردن یهودیان در مقابل دیوار ندبه با به سرگذاردن کلاه مخصوص)، سبزی فروشی شهروند جورجیایی، گرفتن عکس یادگاری جهانگردان غربی با یهودیان و اشاعه عکس آنان در دیگر کشورها به عنوان شهروندان اصلی فلسطین و... که همه این نقشه‌ها جزء ابعاد گوناگون اشغال می‌باشد؛ اشغالِ دارایی‌های مادی و معنوی فلسطینی‌ها که شاعر با نکته سنجی تمام، همه آن‌ها را به تصویر کشیده است.

بنابر موارد مطرح شده در این بخش، می‌توان گفت، برغوثی تلاش‌های رژیم اشغالگر را در دو زمینه جنگ مسلحانه و جنگ نرم توصیف نموده است تا بدین وسیله سهمی در بیدارسازی مسلمانان داشته باشد.

۲-۲-۳- اصرار بر تداوم روحیه مقاومت و بیداری

شعرای مقاومت، شکست و تسلیم را مطرود می‌دانستند و در برابر توطئه‌های دشمن تا آن جا که قدرتی در بدن داشتند، پایداری می‌کردند (عطوفت، ۱۹۹۸: ۶۹۳). شعر تمیم برغوثی، پژواک سازش‌ناپذیری و تداوم روحیه مقاومت و پایداری فلسطین در برابر ستم و تجاوز متجاوزان است. او اصرار بر استمرار مقاومت را با تکرار جمله فعلیه «نَقَاتْلَهُمْ» که بر حدوث و تجدّد دلالت دارد، بیان می‌کند و با لحن حماسی بیان می‌دارد که فلسطینیان در سخت‌ترین شرایط در اوج غربت و تنهایی، در تشنگی و گرسنگی و با وجود عدم حمایت عرب‌ها به مبارزات خستگی‌ناپذیر خود ادامه می‌دهند و چنان می‌جنگند که گویی تاریخ هم همتاسازی روزهای مقاومت آنان را ندارد:

نَقَاتْلَهُمْ عَلٰی عَطَشٍ وَجُوعٍ / وَخِذْلَانِ الْأَقَاصِي وَالْأَدَانِي / نَقَاتْلَهُمْ وَظَلْمُ بَنِي أَيْنَا / نُعَانِيهِ كَأَنَّا لَا نُعَانِي / نُقَاتْلَهُمْ
كَأَنَّ الْيَوْمَ يَوْمٌ / وَحَيْدٌ مَا لَهُ فِي الدَّهْرِ ثَانٍ (برغوثی، www.adab.com) «ما با دشمنان می‌جنگیم، با وجود تشنگی و گرسنگی و دست‌کشیدن نزدیکان و غریبه‌ها از یاری‌مان / ما با این که از ستم برادران‌مان رنج

می‌بریم؛ اما چنان می‌جنگیم که گویی از این امر رنجیده خاطر نیستم / با آنان طوری می‌جنگیم که گویا امروز، یگانه‌روزی است که دو می‌مانند آن در روزگار وجود ندارد.»

شاعر در جای دیگر با هوشیاری در راستای دعوت به ادامه مبارزه با صهیونیسم، گذشته درخشان قدس را یادآور می‌شود؛ زمانی که قدس تحت حاکمیت مسلمانان بوده‌است. او تاریخ فرمانروایی یکی از فرماندهان ممالیک (ظاهر بیبرس) را بیان می‌کند؛ فرمانده‌ای که از ماوراءالنهر آمد و در بازار برده فروشان اصفهان فروخته شد و در مصر با درایت و بینش خویش - تیزی چشمان - حکومتی از مسلمانان تشکیل داد. از اقدامات مهم و بیدارساز آن فرمانده، شکست سپاه عظیم مغول و بازگرداندن بیت المقدس به مسلمانان و در نهایت بنای مدارس اسلامی بود؛ ذراع، احیای تاریخ حکومت ممالیک، هوشیاری و آگاهی دینی مسلمانان را نسبت به تجربه عملی و زنده خویش در گذشته و پیامد عمیق و کارساز آن در آینده، افزایش می‌دهد و مردم را به مبارزه و مجاهدت تشویق و تحریک می‌نماید:

فی القدس مدرسه لمملوکِ اُتی مما وراء النهر / باعوه بسوق نخاسه فی اصفهان / لتاجر من اهل بغداد اُتی حلباً / فخاف امیرها من زرقه فی عینه الیسری / فأعطاه لقاله اُت مصرأ / فأصبح بعد بضع سنین غلاب المغول / وصاحب السلطان (همان، www.alkottob.com).

«در قدس، مملوکی (ظاهر بیبرس) که از ماوراءالنهر آمده، مدرسه‌ای دارد/ او را در بازار برده فروشان اصفهان فروختند / به تاجری از اهل بغداد که به حلب آمد/ سپس پادشاه حلب ترسید از تیزی چشمان آبی رنگش/ او را به کاروانی داد که قصد مصر داشت / سپس همین غلام بعد از چند سال بر مغولان چیره گشت و / سلطان شد.» شاعر در این اشعار به واسطه بازخوانی تاریخ و میراث گذشته، سعی در حفظ روحیه بیداری و مقاومت ملت فلسطین دارد.

۲-۲-۴- رسوا نمودن کودک کُشی ددمشانه رژییم غاصب

کشتار بی‌رحمانه کودکان مظلوم فلسطین، چهره کریه رژییم غاصب کودک کُش را نشان می‌دهد. برغوثی در قصیده «نفسی الفداء لکل منتصر حزین» با جملاتی پرسوز که مملو از غم و درد است، تصویری زنده و تکان‌دهنده از صحنه اندوهبار کشتار کودکان ارائه می‌دهد. وی مظلومیت کودکان شهید را که در بیمارستان

بر روی کاشی‌های سرد راهروها خفته‌اند و یا دسته‌جمعی و آغشته به خون در پتو کفن شده‌اند، ترسیم می‌کند و در عین حال، رژیم اشغالگر را با اسلوبی تهدیدآمیز مورد خطاب قرار داده و از ناتوانی این رژیم در برابر اطفال شهید، پرده برمی‌دارد: نَفْسِي فِدَاءٌ لِلصَّغَارِ النَّائِمِينَ / بِمِمْرٍ مُسْتَشْفَى عَلَي بَرْدِ البَلَاطِ بِلا سَرِيرٍ، خَمْسَةً أَوْ سِتَّةً مُتَجَاوِرِينَ / فِي صُوفٍ بَطَانِيَةٍ فِيهَا الدَّمَاءُ مُكْفَنِينَ / قَلٌّ لِّلْعَدُوِّ، أَرَاكُ أَحْمَقُ مَا تَزَالُ، / فَالآنَ فَاوْضَهُم عَلَي مَا شَتَّ / وَاطْلُبْ مِنْهُمْ وَقِفِ الْقِتَالَ / يَا قَائِدَ النِّفْرِ الْغَزَاةِ إِلَى الْجَدِيلَةِ / أَوْ إِلَى الْعَيْنِ الْكَحِيلَةِ / مِنْ سَنِينَ / أَدْرِي بِأَنَّكَ لَا تَخَافُ الطِّفْلَ حَيًّا / إِنَّمَا أَدْعُوكَ صَدَقًا، أَنْ تَخَافَ مِنَ الصَّغَارِ الْمَيِّتِينَ. (برغوئی،

(www.adab.com)

«جانم فدای کودکان به خواب رفته در راهروهای بیمارستان بر روی کاشی‌های سرد و خشک بدون تخت؛ در حالی که پنج یا شش نفر از آن‌ها در کنار هم آغشته به خون در پتو کفن شده‌اند / بگو به دشمن: می‌بینم که همچنان احمق هستی / پس در مورد هر چیزی که می‌خواهی با آن‌ها گفتگو کن / و از آن‌ها بخواه تا از جنگ و مقاومت دست بردارند / ای فرمانده ارتش هجوم برنده بر دخترکان آراسته و زیبا چشم / از سال‌ها پیش / می‌دانم که تو از کودکان زنده نمی‌ترسی / اما تو را صادقانه فرامی‌خوانم تا از کودکان بی‌جان بترسی.» در این اشعار، عاطفه‌اندوه در کنار عاطفه‌خشم به وضوح نمایان و صدق احساس شاعر در هر دو مشاهده می‌شود؛ عاطفه‌ای جمعی که افراد خاصی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؛ بلکه در روان هر انسان آزاده‌ای به شدت اثر نهاده و بیداری و بصیرت را به ارمغان می‌آورد.

۲-۲-۵- ستایش عروج شهیدان راه قدس

شهادت و شهادت‌طلبی از جمله ارزش‌های کلیدی و اثرگذار اسلامی است که وجود آن می‌تواند به شکل‌گیری و توسعه جهانی حقّ مدار و ظلم‌ستیز و برخوردار از آزادی کمک نماید (غیبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲۶). در کنار این شهادت‌طلبی‌هاست که مبارزان فلسطین در راه رسیدن به کعبه مقصود و آزاد ساختن سرزمین اشغالی خویش از چنگال به خون آلوده صهیونیست‌های غاصب به مبارزه و مقاومت بی‌امان خویش ادامه می‌دهند. برغوئی، با وصف عروج آسمانی شهدای فلسطین به شهادت رنگی آسمانی و معنوی

می‌بخشد به گونه‌ای که شهدای راه قدس، با پرواز به آسمان، مورد استقبال گرم و پرشور اهل آسمان واقع می‌شوند.

رمادیونَ كَالْأَنْقَاصِ شَعْتُ / تَحَدُّهُمْ خُيُوطُ الْأَرْجَوَانِ / يَدٌ لِيَدٍ تُسَلِّمُهُمْ فَتَبَدُّوْ / سَمَاءُ اللَّهِ تَحْمِلُهَا يَدَانِ / يَدٌ لِيَدٍ كَمِعْرَاجٍ طَوِيلٍ / إِلَى بَابِ الْكَرِيمِ الْمُسْتَعَانَ / يَدٌ لِيَدٍ، وَتَحْتَ الْقَصْفِ، فَأَقْرَأُ / هِنَالِكَ مَا تَشَاءُ مِنَ الْمَعَانِي (برغوثی، www.adab.com). «با رنگی خاکستری همانند آوار پخش و پراکنده شده، با ریسمان‌های آبی رنگ، شناخته می‌شوند/ دستی آن‌ها را به دستی دیگر واگذار می‌کند و گویا به نظر می‌رسد آسمان الهی را دو دست حمل می‌کند / دستی برای دستی دیگر، همانند معراجی بلند، تا رسیدن به در (خدای) کریم و یاریگر/ دستی بر دستی دیگر زیر بمباران پس بخوان / آنجا هر آنچه را از مفاهیم والا که می‌خواهی.» با توجه در مجموع این ابیات می‌توان گفت: شاعر، عروج شهدا به آسمان و استقبال باشکوه آسمانیان از آن‌ها و استقرارشان نزد خداوند را همچون معراج نبی اکرم (ص) به آسمان‌ها دانسته است.

۲-۲-۶- تصویرسازی «حماسه دفاع از فلسطین به وسیله نسل‌های تازه و بیان نمادین آن»

«مقاومت چشمه‌ای است که با رفتن یک نسل و آمدن نسل دیگر، خشک نمی‌شود. هر آن که پدرش کشته شد، باید که انتقام او و سرزمین و آبرویش بگیرد.» (مجیدی، ۱۳۹۱: ۴۲۵) امروز، انتفاضه به عنوان مدرسه و مکتب مقاومت و شهادت، شخصیت و روحیه فرزندان فلسطینی را پولادین ساخته و آنان را برای آینده نهضت تربیت می‌کند؛ درواقع، تربیت نسل‌های آینده برای حفظ یک تفکر و جریان، کم‌تر از پی‌ریزی و تأسیس آن مکتب نیست.

شاعر در اشعار زیر از طلوع فجر می‌گوید؛ صبحی روشن با پوشش دانش‌آموزان مدارس که قلم‌های این نسل را به عنوان سلاح با خود حمل می‌کند. این صبح، همان دانش‌آموزی است که اساس مقاومت آینده را تشکیل می‌دهد:

يَا أُمَّةَ فِي الْغَارِ مَا حَتَمَ عَلَيْنَا أَنْ نُجِبَ ظَلَامَهُ / إِنِّي رَأَيْتُ الصُّبْحَ يَلْبَسُ زِيَّ أَطْفَالِ الْمَدَارِسِ حَامِلًا أَقْلَامَهُ / وَيَدُورُ مَا بَيْنَ الشُّوَارِعِ، بَاحِثًا عَنْ شَاعِرٍ يُلْقَى إِلَيْهِ كَلَامُهُ / لِيُذِيعَهُ لِلْكُونِ فِي أَفْقٍ تَلَوْنَ بِاللِّدَاوَةِ وَاللَّهَبِ / يَا أُمَّتِي يَا ظَبِيَّةَ فِي الْغَارِ قَوْمِي وَأَنْظُرِي / الصُّبْحُ تَلْمِيذٌ لِشُعَارِ الْعَرَبِ... (برغوثی، www.adab.com)

«ای امتی که در غار ظلمانی به سرمی‌بری، بر ما واجب نشده که تاریکی غار را دوست داشته باشیم / زیرا من صبح (روشنایی) را دیدم لباس کودکان مدرسه را پوشیده و مدادهای آنان را حمل می‌کند / و در خیابان‌ها می‌چرخد تا شاعری را بیابد و سخانش را بر او بگوید / تا آن را در افقی رنگ شده با آب و آتش، در تمام هستی انتشار دهد / ای امت من، ای آهوئی که در غار فراموشی هستی، برخیز و نگاه کن / دانش آموز اشعار عرب است.»

برغوثی در این اشعار، با نمادپردازی و به‌کارگیری خیال‌های جزئی (تشخیص، استعاره، تشبیه) و ایجاد فضای سرشار از امید، دانش‌آموزان مبارز امروز را فاتحان صبح پیروزی دانسته و مخاطب را به بیداری و پایداری فرا می‌خواند.

تمیم، بی‌باکی و پایداری قهرمانانه این کودکان را در دو بیت زیر به صورتی ملموس به تصویر می‌کشد؛ کودکانی که همراه با پدرانشان برای آزادی قدس می‌کوشند و مسیر آزادی خواهی پدران خود را ادامه می‌دهند:

تری الطفل من تحت الجدار منادیا / أبی لاتخف، والموتُ بهطلُ وأبله / و والدهُ رُعبًا يُشیرُ بكفه / و تعجزُ عن ردِّ الرصاص أنامله (همان، www.adab.com)

«کودک را در زیر دیوار می‌بینی که فریاد می‌زند: پدرجان نترس! در حالی که رگبار مرگ بر سر آنان فرومی‌ریزد / و پدرش ترسان با دست، اشاره می‌کند؛ در حالی که انگشتانش توان جلوگیری از اصابت گلوله‌ها را ندارد.»

۲-۲-۷- الهام گرفتن از پایداری پیامبر اکرم (ص) و ایمان وی به وعده پیروزی خداوند

در ادبیات پایداری، افتخارات، ارزش‌ها و گذشته‌های غرورآفرین پیش از جنگ، تکیه‌گاه ادبا برای تشویق به پاسداری از سرزمین و ارزش‌ها بوده است؛ بنابراین ادبیات پایداری ملت‌هایی که ریشه‌های دینی و اعتقادی دارند، با طرح گذشته‌ها، شخصیت‌های افتخارآفرین و اسوه‌های پایداری قرین است (امیری خراسانی، ۱۳۹۱: ۳۰). احیا و بازخوانی تاریخ مقاومت پیامبر در مقابله با کفار و تشبه به ویژگی‌های مقاومتی ایشان، یکی از قوی‌ترین انگیزه‌هایی است که مسلمانان به آن تمسک می‌جویند. این الگوبدیری از

نکات برجسته‌ای است که به وضوح می‌توان آن را در شعر تمیم مشاهده کرد. وی در قصیده «الحمامه و العنکبوت» با شگرد ادبی خویش، گفت و گوی کبوتر و عنکبوت را به نمایش می‌گذارد؛ کبوتری که به اذن خداوند با پره‌های خود و عنکبوتی که با تارهایش از پیامبر (ص) و همراه وی محافظت نمودند و این همان وعده یاری خداوند به پیامبر (ص) بود که در مقابل صبر مقاومت به ایشان عطا شد:

و فی الغار شیخان / لا تعلمین حمیتهمایومها أم حمیت / جلیلان إن ینجوا یصبحا أمة / ذات شمل جمیع شتیت / و قوم أتوا یطلبونهما تقف الريح عنهم من الجبروت... / سنحی الغریبین من کل سیف / بریش الحمام و أوهی البیوت / سنبنی المآذن فی المشرقین... (برغوثی، www.adab.com). کبوتر به عنکبوت می‌گوید: «در غار دو بزرگوار است / نمی‌دانی در آن روز تو از آن دو حمایت کردی یا [از جانب آن‌ها] حمایت شدی / دو بزرگوار که اگر نجات یابند، امتی متحد تشکیل می‌دهند / گروهی به دنبال آن دو بودند، باد به اذن خدا مانع آنان شد / آن دو غریب را از هر شمشیری حفظ خواهیم کرد / تنها با پرکبوتر و سست‌ترین خانه‌ها / و گلدسته‌ها را در خاور و باختر بنا خواهیم کرد.»

احیا و بازخوانی تاریخ مقاومت پیامبر (ص) در جایگاه حماسه‌ای فرامکانی و فرازمانی، منشأ تحولات بنیادین در تاریخ اسلام بوده و تأثیر شگرفی در بیداری و حرکت آفرینی گروه‌های حق‌طلب اسلامی داشته است و گویای این مطلب است که کمی عده و غده سبب شکست نمی‌شود، و نکته مهم، حفظ روحیه صبر و مقاومت و ایمان و توکل حقیقی به خداوند است؛ زیرا در این حالت، امدادهای غیبی خداوند فراخواهد رسید. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمة الله علیکم إذ جاءکم جنود فارسلنا علیهم ریحاً و جنوداً کم ترورها و کان الله بما تعملون بصیراً» (احزاب/۹) و «کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله و الله مع الصابرين» (بقره/۲۴۹) با دقت در آیه نخست درمی‌یابیم؛ برغوثی با اقتباس کلمه «ریح» از این آیه شریفه به همین نکته اشاره داشته و «باد» را امدادی غیبی و مانعی از جانب خداوند در برابر دشمنان دانسته‌است. همچنین می‌توان کلمه «قوم» را مصداق «فئة كثيرة» و کلمه «الغریبین» را مصداق «فئة قليلة» در آیه دوم دانست. البته در دوره کنونی نیز بعد از غلبه حزب الله و حماس در جنگ‌های «۳۳ روزه» و «۲۲ روزه» و به ویژه در جنگ «۵۰ روزه» بر رژیم صهیونیستی، این وعده محقق گشت.

۲-۸- به کارگیری «حدیث کسا» به عنوان عامل وحدت‌ساز

التزام به عقاید و باورهای اسلامی که موجب حفظ حریم‌های انسانی حتی در میدان‌های جنگ می‌شود، در ادبیات پایداری بازتاب دارد (امیری خراسانی، ۱۳۹۳: ۳۶). برغوثی در شعر پایداری خود در اقتباسی زیبا از آیه تطهیر (احزاب/۳۲) به «رویداد کسا» یکی از مهم‌ترین حوادث روشنگر تاریخ زندگی پیامبر اسلام (ص) اشاره می‌کند: حدیث الکساء حدیث قصیر / مؤداه أن النبی دعا حسناً وحسیناً و فاطمة و علیاً / و ضمّ علیهم کساءً من الشعر / ثم دعا الله أن یذهب الرجس عنهم / فأنزل ربک آیه تطهیرهم.... (برغوثی، www.adab.com)

اما هدف شاعر از ذکر حدیث کسا در قصیده خود چیست؟ برغوثی که درد سرزمین‌های تحت اشغال را حس می‌کند، فریاد خود را فراتر از وطن برمی‌آورد و به دفاع از کشورهای تحت اشغال می‌پردازد. وی با استفاده از بینامتنی روایی، پاداش مبارزان ظلم‌ستیز را جای گرفتن در کسای یمانی می‌داند؛ یعنی بیان می‌دارد کسانی که تن به ذلت نمی‌دهند و نیرنگ یهود و دیگر اقوام فتنه‌انگیز را از لبنان و عراق (سرزمین‌های اسلامی) دفع می‌کنند، در زیر ردای پیامبر (ص) جای خواهند گرفت؛ اما افرادی که تن به خواری و پذیرش ظلم می‌دهند، در زیر آن ردای مبارک جای نخواهند گرفت؛ لذا شاعر با استفاده از بینامتنی روایی «حدیث کسا»، ضمن بیدارسازی مبارزان، آن‌ها را به نبرد با اشغالگران تشویق می‌کند: «أقول / وأجری علی الله فیما أقول / بانی سادخل فیہ الذین أبوا أن یدلوا لغازأتهم / وأخرج منه الذین علی العکس منهم أباحوا لحاهم / فمن رد کیده الیهود بلبنان عندی / سیدخل تحت الکساء / ومن رد کیده التحالف عن شارع فی العراق / سیدخل تحت الکساء / وإن کان هذا علی مذهب لا یوافق ذاک / فانی أری تلک موعظة لو تفکر أهل العقول....» (همان، www.adab.com)

«می‌گویم / و در آنچه می‌گویم، پاداشم با خداست / حقیقتاً من کسانی را که از پذیرفتن ظلم ابا دارند و تن به ذلت متجاوزان نمی‌دهند، در زیر این ردا قرار خواهم داد / و اما برعکس، کسانی را که خواری را بر خود مباح کردند، از زیر این ردا بیرون خواهم کرد / پس هرکس حیلۀ یهود را از لبنان بازدارد / زیر ردا قرار خواهد گرفت / و نیز هرکس که نیرنگ هم‌پیمانان را از عراق بازدارد / اگرچه عده‌ای بر مذهبی باشند و

گروهی بر مذهبی دیگر (اگر همه، این راه و روش را نپسندند) / پس من آن را پندی می‌دانم؛ اگر خردمندان در آن اندیشه کنند....»

نکته مهم پایان مقطع، این است که شاعر، موضوع کسا را با دید فقهی و مذهبی بیان ننموده؛ بلکه آن را از زاویه‌ای دیگر در جهت حفظ وحدت و هویت مشترک اسلامی، مطرح کرده‌است همچنان که خود در ابتدای قصیده در این باره می‌گوید: «حدیث کساء النبی الذی سوف أکتب عنه / حدیث عن الوحدة الوطنية و العافیة...» (همان، www.adab.com). لذا مخاطب او در این قصیده، همه خردمندان هوشیار و ظلم‌ستیز هستند نه یک فرقه خاص.

۲-۹-۲- تبیین ویژگی‌های شخصیتی رهبر مقاومت اسلامی

از مؤلفه‌های ادب پایداری و بیداری در شعر تمیم، تبیین و ستایش شخصیت روشنگر «سید حسن نصرالله» رهبر مقاومت و بیداری لبنان است. او در قصیده «امیر المؤمنین» ویژگی‌های رهبر مقاومت حزب الله را چنین برمی‌شمارد:

مِنْ آلِ بَيْتِ الرَّسُولِ يَا حَسَنُ	مَنْ لَوْ وَرَّثَتِ الدُّنْيَا بِهِمْ وَرَثُوا
جَزَيْتَ خَيْرًا عَنْ أُمَّةٍ وَهَنَتْ	فَقُلْتُ لَا بَأْسَ مَا بَكُمْ وَهَنْ
لِيَذُكَّرَ الصُّبْحُ أَنَّهُ نَفْسٌ	وَيَذُكَّرَ اللَّيْلُ أَنَّهُ سَكَنٌ

(برغوثی، www.adab.com)

«ای حسن، تو از تبار رسول خدا (ص) هستی / اگر تمام دنیا را با آن‌ها (آل نبی) بسنجی، وزن می‌شوند/ خداوند به تو پاداش خیر دهد به خاطر امتی که سست و نا امید گشته بود؛ اما گفתי هیچ اشکالی ندارد شما ضعیف نیستید/ صبح باید به یاد آورد که حقیقتاً او نفس است و شب به یاد آورد که او مایه آرامش است.»

شاعر در مقطعی دیگر از این قصیده به «سید حسن نصرالله» به عنوان انسانی آزادی‌خواه و مبارز که با سخنرانی‌های مستحکم خود باعث تقویت مقاومت و تراوش بیداری اسلامی در جان مخاطبان می‌شود، مباحثات می‌کند:

وَرَبِّمَا لَا يَوَدُّ عَيْشَةَ مَنْ أَنْفَاسُهُ مِنْ أَعْدَائِهِ مَنَنْ

وَأَنَّهُ فِي قِتَالِهِمْ رَجُلٌ وَأَنَّهُ فِي جِدَالِهِمْ لَسِينٌ

(همان، www.adab.com)

«و چه بسا دوست ندارد زندگی کسی را که نفس‌هایش حاصل منت دشمنانش باشد / به یقین، او در کشتن دشمنان، جوانمردی شجاع است و در مجادله با آنها سخنوری فصیح است.»
با دقت در مجموع ابیات ذکر شده می‌توان گفت: برغوثی با بیان ویژگی‌های رهبر مقاومت لبنان، در واقع، بخشی از ویژگی‌های شخصیتی یک رهبر بزرگ را تبیین نموده است که عبارتند از: سعه‌صدر، آرامش بخشی، ذلت ناپذیری، استکبارستیزی، شجاعت در مبارزه و سخنوری در مباحثه.

۲-۲-۱۰- اعلام همبستگی با جوانان انقلاب ۲۵ ژانویه مصر

مصر، وطن دوّم برغوثی است. مادر او «رضوی»، رمان‌نویس مصری است و می‌توان گفت: شاعر، نوعی حسّ تعلق به وطن مادری دارد و از سویی دیگر، ارتباط دینی و سیاسی مصر و فلسطین، بر این حس تعلق می‌افزاید؛ بنابراین، مصر و مسائل آن در آثار تمیم حضور بارزی دارد. او با زبان عامیانه مصری در دیوان «یا مصر هانت و بانت» به انقلاب ۲۵ ژانویه سال ۲۰۱۱ مصر پرداخته و صحنه‌های آن را یکی پس از دیگری توصیف می‌کند و با وجود دوری از مصر، خود را از گروه جوانان انقلابی این سرزمین می‌داند و با آنان احساس همبستگی می‌کند:

من شهر واحد ۲۰۱۰ و زادوا واحد / کنا ملايين و کنا واحد / حددنا موعداً يوم القيامة / نزلوا الشباب الميدان / وأنا بعيد عنهم / كسروا الشباب البيان / وأنا بعيد عنهم / خرج الشباب من البيوت / وأنا بعيد عنهم / دخل الشباب في الموت / وأنا بعيد عنهم / يا موتي قوم امتحني / اعتذر منهم / اشمعني يا كلب تستثيني من بينهم / يوم الخطر قبلها ما كنت اجبنهم.... (برغوثی، ۱۴۳۴هـ elw3yalarabi.org/modules)

«بیست و پنجمین روز از نخستین ماه سال ۲۰۱۱ / میلیون‌ها نفر بودیم و همگی باهم متحد و یکی شدیم / زمان روز قیام را مشخص کردیم / جوانان به میدان آمدند / و من از آنها دور بودم / جوانان درها را شکستند و من از آنها دور بودم / جوانان از خانه‌ها خارج شدند / و من از آنها دور بودم / جوانان داخل مرگ شدند

/ و من از آن‌ها دورم ای مرگ برخیز و مرا امتحان کن / از آن‌ها عذرخواهی می‌کنم / دوری کن ای طماع (مرگ) که بخواهی مرا در این روز مهّم از آن‌ها جدا کنی / در حالی که من قبل از آن حادثه، ترسو نبودم.»
تکرار جمله «أنا بعيد منهم» به دنبال هر یک از صحنه‌های انقلاب که جوانان مصری آن‌ها را آفریده بودند، نشان‌دهنده افسوس و حسرت عمیق شاعر به خاطر عدم حضور در این صحنه‌هاست و از سوی دیگر، نشان از توجه شاعر به همبستگی در مقاومت و بیدارسازی امت عربی دارد.

۲-۱۱-۲- جدال بین امید و ناامیدی

پس از اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی و تشکیل رسمی دولت یهود و آوارگی تعداد فراوانی از فلسطینیان، و بی‌توجهی سران عرب نسبت به قدس شریف و آرمان‌های فلسطین، اندوه و ناامیدی در شعر شاعران به صورت‌های مختلف نمودار گشت. برغوثی با این که چنین لحظه‌های تلخی را در شعر خویش برشمرده، اما ناامیدی بر شعرش غالب نگشته و اگر بر پاره‌ای از اشعارش گرد یأس نشسته، اما در بیشتر موارد، نور امید در شعر وی می‌درخشد:

« فی القدس یزداؤ الھلال تقوؤساً مثل الجنین / حدباً علی أشباهه فوق القباب / تطوّرت ما بینهم غبر السنین عِلَاقَةُ الأَبِ بالبَینِ » (برغوثی، ۲۰۱۲، www.alkottob.com). «در قدس، بر قوس ماه مانند قوس جنین افزوده می‌شود / و این به خاطر همدردی هلال آسمان با امثال خود (خطوط هلالی طراحی شده) بر روی گنبد است / با گذر زمان، همبستگی آنان مانند دوستی پدر و پسران، بیشتر می‌شود.

شاعر در این مقطع پربار با استفاده از آرایه تشبیه و تشخیص، حال غمین قدس و ساکنان اطراف آن را مجسم می‌نماید. وی، قوس و خمیدگی ماه حقیقی را به قوس جنینی تشبیه می‌نماید که با گذر روزها، بر خمیدگی آن افزوده می‌شود و با استفاده از آرایه تشخیص، خمیدگی ماه آسمان قدس (ماه حقیقی) را به خاطر همدردی آن با هموعان خود [خطوط هلالی شکل روی گنبد قدس] می‌داند. از سوی دیگر، باریکی خطوط هلالی شکل روی گنبد را ناشی از درد ورنج فلسطینیان ساکن اطراف آن می‌شمارد؛ در واقع، شکل باریک هلال حقیقی و هلال‌های ترسیم شده روی گنبد، شرح حال مسلمانان ساکن قدس است که تا چه حد از ظلم متجاوزان غاصب رنج می‌برند؛ اما با دقت بیشتر در این مقطع از قصیده به امید نهفته شاعر در اعماق

تاریکی پی خواهیم برد؛ زیرا با باریک شدن هلال ماه و افول آن، دیری نمی‌پاید که ماه جدید، سینه تاریکی را می‌شکافد و با کامل شدن قرص آن، بار دیگر نور امید، آسمان تاریک قدس را تابان و منور می‌سازد؛ از این روست که «شاعر متعهد معناگرا، در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین لحظه، از خوش‌بینی و امیدواری به آینده روشن و پیروزمند لبریز است.» (اکرمی و عابدی، ۱۳۸۸: ۴۷) برغوثی نیز در سرتاسر اشعار خود سعی دارد تا امید را در دل مخاطبش زنده نگه دارد و روحیه یأس و سرخوردگی را از بین ببرد. از نمونه‌های بیان شده مرتبط با مسأله امید و ناامیدی می‌توان این نکته را دریافت که اسلوب خاص شاعر در این مورد، نشان‌دهنده بذر امید در دل ناامیدی و استخراج و عرضه روحیه نشاط و امیدواری از بطن یأس و افسردگی است؛ البتّه به گونه‌ای که درک آن، تأمل و دقت مخاطب را می‌طلبد.

۳- نتیجه‌گیری

- ۱- تمیم برغوثی، در ورای چهره سیاسی خویش، شاعر و ادیبی متعهد، ظلم‌ستیز و آزادی‌خواه است که در مقاومت، حضوری فعال دارد و در آثار ادبی او می‌توان بن‌مایه‌هایی از مقاومت و بیداری را مشاهده کرد.
- ۲- برغوثی در قصیده مشهور «فی القدس» در اقتباس از قرآن کریم، قدس را سرزمین اسراء و معراج برمی‌شمارد و از آن به عنوان عامل بیدارساز جهانی و سمبل هویت اسلامی یاد می‌کند که همه باید در حفاظت از آن مجاهدت نمایند.
- ۳- شاعر، عدم پای‌بندی رژیم اسرائیل به مسائل انسانی را با توصیف صحنه کشتار و اصرار شدید این رژیم بر تکرار عمل کشتار با شیوه‌های گوناگون و در عین حال ترس وی از زنده ماندن احتمالی فلسطینیان در زیر خاک را به دقت ترسیم می‌کند تا جنایت‌های اسرائیل را با زبان شعر تبیین نماید و شدت انزجار از اشغالگران را بیش از پیش برانگیزد.
- ۴- برغوثی، نصب نشان پیروزی بر سینه اشغالگران در مقابل دوربین‌های خبرنگاران را نشان افتخار آنان به قتل عام و نسل‌کشی کودکان بی‌گناه و انسان‌های آزاده برمی‌شمارد تا پرده از ناتوانی و رذالت و فرومایگی این رژیم بردارد.

- ۵- شاعر، نابودسازی هویت اسلامی فلسطینیان و جلوگیری از تداوم پایداری و اتحاد اسلامی آنان را هدف اسرائیل از بمباران نماز جماعت می‌داند و با به کارگیری خیال‌های جزئی چون تشخیص و استعاره، صحنه نماز جماعت و توجه کامل نمازگزاران به نماز و بی‌توجهی آن‌ها به جنگنده‌های دشمن را ترسیم می‌نماید.
- ۶- شاعر، در پشت واقعیت تلخ اشغال نظامی فلسطین، توطئه‌های رنگارنگ رژیم جعلی غاصب همچون آموزش احکام تورات، ممانعت مسلمانان از ورود به مسجد الاقصی و اقامه نماز در آن، ادعای دیوار نده با کلاه فرنگی و... را یادآور می‌شود و بدین وسیله، تلاش‌های این رژیم را در دو زمینه جنگ مسلحانه و جنگ نرم توصیف می‌نماید.
- ۷- برغوثی در شعر خویش، تداوم پیکار و ستیز و حفظ روحیه پایداری و هوشیاری را تنها راه مقابله با دشمن می‌داند. او پافشاری بر تداوم مقاومت را با تکرار جمله فعلیه «نقاتلهم»، بیان می‌کند و با لحن حماسی بیان می‌دارد که فلسطینیان در دشوارترین شرایط با وجود عدم حمایت عرب‌ها به مبارزه و پایداری بی‌نظیر خود ادامه می‌دهند.
- ۸- این شاعر آگاه، در اشعار خود با احیای تاریخ حکومت ممالیک در قدس، بصیرت دینی مسلمانان را نسبت به تجربه درخشان گذشته و پیامد مهم و کارساز آن در آینده، افزایش داده و آنان را به ادامه مبارزه تشویق می‌نماید.
- ۹- برغوثی با به کارگیری عاطفه غم و اندوه در کنار عاطفه خشم، تصویری زنده و تکان‌دهنده از صحنه‌های اندوهبار کشتار کودکان ارائه می‌دهد؛ عاطفه‌ای جمعی که بر تمام انسان‌های آزاده در روی زمین اثر می‌گذارد.
- ۱۰- عروج شهدای فلسطین به آسمان و استقبال باشکوه آسمانیان از آن‌ها، در اشعار تمیم به معراج نبی اکرم (ص) به آسمان تشبیه شده است تا یادآوری این حادثه مقدس، موجب ثبات قدم مبارزان در راه پایداری و شهادت‌طلبی باشد. ۱۱- شاعر با نمادپردازی و رمزگرایی و استفاده از خیال‌های جزئی همچون فن تشخیص، استعاره و تشبیه و نیز ایجاد جو روانی سرشار از امید، حماسه دفاع را به تصویر درمی‌آورد و

دانش‌آموزان مبارز امروز را فاتحان صبح پیروزی می‌داند و بدین وسیله مخاطب خویش را به بیداری و مقاومت فرامی‌خواند.

۱۲- برغوثی، الهام گرفتن از پایداری رسول خدا در راه ابلاغ دین را با شگردی ادبی در گفت و گوی نمایشی بین کبوتر و عنکبوت بیان می‌کند و با اقتباس از قرآن، امدادهای غیبی خدا را مانع پیروزی دشمن پرتعداد در برابر مؤمنان کم‌تعداد می‌داند تا این امر حرکت آفرین، سبب هوشیاری مبارزان اسلام و ایمان شان به وعده‌های خداوند گردد.

۱۳- شاعر با استفاده از بینامتنی روایی، «حدیث کسا» را به عنوان عامل وحدت‌ساز در راستای حفظ هویت مشترک معرفی نموده و مبارزان راستین در تمام کشورهای اسلامی را در زیر کسای یمانی جای می‌دهد.

۱۴- ویژگی‌های ذکر شده برای رهبر مقاومت لبنان در شعر برغوثی، بخشی از ابعاد شخصیتی یک رهبر بزرگ است که عبارتند از: سعه صدر، آرامش بخشی، ذلت ناپذیری، استکبارستیزی، شجاعت در مبارزه و سخنوری در مباحثه.

۱۵- تمیم، جدال بین امید و ناامیدی را با تصویرسازی باریک شدن هلال ماه قدس و حلول دوباره آن ترسیم می‌کند. اسلوب وی در این مورد، نشان‌دهنده بذر امید در دل ناامیدی و استخراج نشاط و امیدواری از بطن یأس و افسردگی است.

فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

۱. قرآن کریم.
۲. آذرشب، محمد علی. (۱۳۹۲). شعر الصحوة الإسلامية. طهران: الثورة الإسلامية.
۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). شعر معاصر عرب. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.
۴. عطوات، محمد عبدالله. (۱۹۹۸م). الاتجاهات الوطنية في الشعر الفلسطيني المعاصر من ۱۹۱۸ إلى ۱۹۶۷. بیروت: دارالآفاق الجديدة.

۵. عیس‌نیا، رضا. (۱۳۸۶). **انقلاب و مقاومت در سیره امام خمینی**. تهران: عروج.
۶. کنفانی، عَسان. (۱۹۶۶م). **أدب المقاومة فی فلسطين المحتلة**. بیروت: دارالطلیعہ.
۷. الکیالی، عبدالرحمن. (۱۹۷۵). **الشعر الفلستینی فی نكبة فلسطين**. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات.

ب. مقالات

۹. امیری خراسانی، احمد. (۱۳۹۳). «**ادبیات پایداری؛ تعاریف و حدود**». نشریه ادبیات پایداری. سال ششم، شماره دهم، صص ۲۴-۴۱.
۱۰. امیری خراسانی، احمد و آخشن، قدرت. (۱۳۹۱). «**أسوه‌های مذهبی در شعر دفاع مقدس**». نشریه ادبیات پایداری، سال چهارم، شماره ۷، صص ۳۰-۵۸.
۱۲. دهمرده، حیدرعلی و کشاورزی، کبری. (۱۳۹۳). «**دینداری، برجسته‌ترین جلوه‌ی پایداری در جریان‌های انقلابی ایران با تکیه بر نهضت مشروطه، دوره پهلوی و دفاع مقدس**». نشریه ادبیات پایداری، سال ششم، شماره ۱۰، صص ۱۴۶-۱۶۳.
۱۳. غوادره، فیصل حسین طحمیر. (لاتا). «**صورة القدس فی شعر تمیم البرغوثی دیوانه: فی القدس أنموجا**». مجله جامعه القدس المفتوحة للابحاث و الدراسات.
۱۴. غیبی، عبدالاحد و قائمی، مرتضی و همکاران. (۱۳۹۳). «**هویت اسلامی - عربی و استکبارستیزی در اشعار فاروق جویده و نقش او در بیداری اسلامی**». نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۳۱۰-۳۳۲.
۱۵. قادری، فاطمه. (۱۳۸۹). «**مفدی زکریا و شعر مقاومت الجزایر**». نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال اول، شماره ۲، صص ۲۴۰-۲۶۰.

۱۶. مجیدی، حسن. (۱۳۹۰). «ادبیات مقاومت و فلسفه پیدایش مقاومت در کشورهای اسلامی تحت اشغال؛ فلسطین و عراق به عنوان نمونه». نشریه ادبیات پایداری کرمان، سال سوم، شماره ۶، صص ۴۲۸-۴۱۱.

۱۷. ملاّ ابراهیمی، عزّت. (۱۳۸۷). «تجلی مضامین دینی در شعر معاصر فلسطین». مجله پژوهش دینی، شماره ۱۶، صص ۲۴-۳۸.

۱۸. اکرمی، میرجلیل و عابدی، محمد رضا. (۱۳۸۸). «تقابل فضای امید و ناامیدی، شور زندگی و مرگ اندیشی و خوش بینی و بد بینی در شعر معناگرای مقاومت و شعر مادی گرای معاصر». نامه پایداری: مقالات دومین کنگره ادبیات پایداری، کرمان/ ۸۷، صص ۶۰-۳۷.

ج. منابع اینترنتی

۱۹. أدب: الموسوعة العالمية للشعر العربي (ینایر ۲۰۰۹م).

<http://www.adab.com/modules.php?name=Sh3er&doWhat=ssd&shid=513>

۲۰. الاتحاد الاشتراکی: تمیم البرغوثی، (مای ۲۰۰۹م)، العدد ۹۱۶۳.

<http://www.alittihad.press.ma>

۲۱. الأخبار: تمیم البرغوثی ومصطفی سعید: بُرْدَةُ الاِزْمَةِ الْعَرَبِيَّةِ الْمَعاصرة، (۲۷-حزیران، ۲۰۱۲ م)، العدد ۲۳۰۰ <http://www.al-akhbar.com/taxonomy/term/4693>

۲۲. البرغوثی، تمیم (۲۰۱۲-۲۰۱۱م)، دیوان فی القدس، مکتبه الکتب.

<http://www.alkottob.com/kotob/BookRead.aspx?id=6587>

۲۳. مجله الوعي العربي، (۱۴۳۴م)، الأشعار الوطنية لتمیم البرغوثی.

<http://elw3yalarabi.org/modules.php?name=News&file=article&sid=13459>